

دادگاه محاسبات پاکستان روز گذشته رأی نهایی خود در ارتباط با پرونده ادعایی فساد مالی علیه عمران خان، نخست‌وزیر سابق و همسرش را صادر کرد که براساس آن، رهبر حزب «تحریک انصاف» به ۱۴ سال و همسر وی به هفت سال حبس محکوم شدند. پرونده فسادمالی ۱۹۰ میلیون پوندی بخشی از اتهامات وارد شده علیه عمران خان است. گفته شده

عمران خان و همسرش به ۲۱ سال حبس محکوم شدند

که عمران خان در زمان نخست‌وزیری خود بدون طی مراحل قانونی این پول را به نفع یک تاجر ثروتمند پاکستانی دریافت و با این اقدام قوانین کشور را نقض کرده است.

قاضی دادگاه اعلام کرد که عمران خان از اختیارات خود سوءاستفاده و به خزانه ملی پاکستان خسارت وارد کرده است و در این اقدام مجرمانه همسر وی نیز شریک

دولت ایتالیا نقش مهره واشنگتن در قاره سبز را بازی می‌کند

اسب‌تروای ترامپ در اروپا



همسویی طبیعی رم و واشنگتن در دوران ترامپ

ایتالیا به‌عنوان سومین اقتصاد اروپا، تبدیل به یکی از کانون‌های بازی ضداروپایی (ضد اتحادیه اروپا) ترامپ در قاره سبز شده‌است. جورجا ملونی، رهبر راست‌گرای ایتالیا پس از ایجاد روابط حسنه با دولت بایدن که دور از انتظار بود، این بار آماده است تا از همسویی طبیعی‌تری خود با دونالد ترامپ استفاده کند و به‌عنوان یک شخصیت کلیدی در روابط فی‌مابین آمریکا و اروپا ایفای نقش کند. ملونی چند هفته قبل از تحلیف دونالد ترامپ، با او در محل اقامت رئیس‌جمهور منتخب آمریکا در مار-ئه-لاگو ملاقات کرد، دیداری که به گفته نخست‌وزیر ایتالیا «فراتر از انتظارات» بود. ملونی این سفر را «فرصتی برای تحکیم یک رابطه قوی و امیدوارکننده» توصیف کرد و خاطرنشان کرد که «شاید بتوان گفت که سعادتِ در آن نهفته است.»

مواضع ضداروپایی ملونی

این مواضع ملونی به نگرانی شدید سران اروپایی منجر شده است، زیرا ملونی اساساً قربانی با دو حزب سوسیال دموکرات و دموکرات مسیحی ندارد. از سوی دیگر، ملونی نسبت به ساختار جاری قدرت در اروپای واحد نیز نگاه منتقدانه‌ای دارد که حضور ترامپ در واشنگتن سهم بسزایی در ظهور و بروز آن خواهد داشت. ملونی مدعی است که استقرار یک رابطه فراتلانتیکی قوی بین دو دولت محافظه‌کار در واشنگتن و رم «ارزش افزوده‌ای نه‌تنها برای ایتالیا، بلکه برای کل اروپا» ایجاد می‌کند اما نخست‌وزیر ایتالیا هرگز نگفته که منظور وی از ارزش افزوده برای اروپا، همان ارزش افزوده برای اتحادیه اروپاست یا خیر؛ ضمن آن‌که تغییر معادلات قدرت در پاریس و برلین (دوستون نگهدارنده اصلی اتحادیه اروپا) نیز به‌گونه‌ای

گزارش

پس از پذیرش رسمی آتش بس از سوی تل آویو روند انحلال کابینه نتانیا‌هو کلید خورده است

دومینوی شکست شیاطین



شده از سوی نتانیا‌هو در مذاکرات آتش بس غزه به صورتی صریح و آشکار نقض شده است. از جمله این موارد، تعهد صهیونیست‌ها به خروج مرحله به مرحله از نوار غزه و از آن مهم‌تر، ترک محورهای نرسایم و فیلادلفیا در روند سه مرحله‌ای انجام آتش بس است. در مقابل، حماس نیز همه اسرای صهیونیست را در همان مرحله نخست آتش بس آزاد نخواهد کرد و آزادی قطعی و نهایی همه اسرا، زمانی محقق می‌شود که آتش بس وارد مرحله نهایی (دائمی) و تضمین شده شود. همان‌گونه که مشخص است، آنچه در جریان مذاکرات دوحه حاصل شده، مصداق یک آتش بس تعمیلی به حماس نیست و برعکس، انعکاسی از مذاکرات موفقیت‌آمیز در مسیر عبور از بحران‌های انسانی جاری در غزه است. نتانیا‌هو در ابتدای جنگ غزه، نابودی کامل

باگشت همه گروگان‌های مان، حزب صهیونیسم مذهبی به شدت با این توافق مخالف است.»

همچنین ایتمار بن‌گوریر، وزیر امنیت داخلی اسرائیل و رهبر حزب «قدرت یهود»، اعلام کرد که اگر توافق آتش بس در غزه تصویب شود، از دولت نتانیا‌هو استعفا خواهد داد. بن‌گوریر و اسموتریچ روی هم ۱۴ کرسی از ۱۲۰ کرسی کنتس را در اختیار دارند که برای ساقط کردن دولت کافی است. بن‌گوریر به تنهایی شش کرسی دارد. قرار است توافق آتش بس از یکشنبه ۱۹ ژانویه اجرایی شود.

بحران واقعی در تل آویو

تحلیلگران در اراضی اشغالی (حتی در حزب متبوع نتانیا‌هو) معتقدند که بسیاری ملاحظات مهم و بنیادین ترسیم



محسوب می‌شود. قاضی دادگاه در ادامه این حکم، نخست‌وزیر سابق پاکستان را به پرداخت یک میلیون روپیه و همسرش را به ۵۰۰ هزار روپیه جریمه کرد. دادگاه دستور بازداشت بشری بیگم را صادر کرد درحالی‌که عمران خان از قبل به دلیل پرونده‌های قضایی در حبس به سر می‌برد.

است که جایی برای تثبیت ساختار فعلی قدرت در بروکسل باقی نمی‌گذارد. برخی تحلیلگران اروپایی می‌گویند ملونی (دولت ایتالیا) در قامت یک اسب‌تروا برای تأمین منافع ترامپ در اروپا موجب از هم گسیختگی اتحادیه اروپا می‌شود. این فرضیه، چندان دور از ذهن به نظر نمی‌رسد و گزاره‌های زیادی برای اثبات آن وجود دارد.

کارگزاران واشنگتن در خاک اروپا

در اینجا مفهومی تحت عنوان کارگزاری آمریکا در اروپا وجود دارد که لحظه به لحظه مصادیق معین‌تری پیدا می‌کند. فرانکو پاوونچلو، استاد علوم سیاسی دانشگاه رم در این خصوص می‌گوید: «معلوم است که اگر ترامپ به دنبال شخصی در اروپا باشد که در صورت نیاز با او تماس بگیرد، ملونی همان شخص است. اطراف او در اروپا، همچون یک بیابان به نظر می‌رسد.» استقبال شهروندان ایتالیایی از دولت ملونی، بدترین و سخت‌ترین مانعی است که در این معادله، بر سر راه سران اتحادیه اروپا (که اکثراً مخالف ملونی هستند) وجود دارد. ایتالیا که اغلب با سقوط مکرر دولت‌هایی که به ندرت یک دوره پارلمانی دوام می‌آورند، شناخته می‌شد، اکنون به عنوان پابنات‌ترین دولت در میان کشورهای بزرگ اروپایی و گروه هفت شناخته می‌شود و این در حالی است که کشورهایی مانند آلمان، فرانسه و کانادا با چالش‌های سیاسی خود روبه‌رو هستند. ملونی حزب متبوع خود را که زمانی پر حاشیه و پس‌فاشیستی بود، از راست افراطی به سمت مواضع پذیرفته شده تر جریان اصلی، به‌ویژه در سیاست خارجی هدایت کرده است. پس از آن‌که حزب راست افراطی یا یعنی حزب «برادران ایتالیا» عملکرد خوبی در انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا در ژوئن گذشته به دست آورد، او به‌عنوان یک چهره سیاسی برجسته در اروپا جایگاه خود را تثبیت کرد اما اکنون این روند می‌تواند دستخوش تغییرات عمده شود. ممکن است ملونی تاکنون فرصت و زمینه‌ای جهت بازی مستقیم در زمین آمریکا پیدا نکرده باشد و اکنون، خود را مستعد ایجاد امواج و مطالباتی علیه قدرت مستقر در اروپای واحد ببیند. این بدترین خبر ممکن برای اروپاییانی است که به دنبال حفظ حداقلی ساختار اروپای واحد هستند. ملونی به منظور کاهش سیل مهاجرت به ایتالیا، با کشورهای آفریقایی وارد مذاکره شده و توأمان مصمم است تا رسیدگی به پرونده‌های مردان متقاضی پناهندگی را به جای ایتالیا، در دو مرکز ساخته شده در آلبانی انجام دهد. دولت او همچنین سیاست‌های محافظه‌کارانه در امور خانواده، از جمله ممنوعیت رحم جایگزین را در پیش گرفته و اقداماتی را برای جلوگیری از سقط جنین انجام داده است.

در هر حال، مواضع و خطوط قرمز ملونی می‌تواند در آینده‌ای نزدیک، موقعیت و جایگاه اتحادیه اروپا و پایسته‌های حکمرانی در این مجموعه را به سود منافع آمریکا تضعیف کند.

حماس، اشغال کامل نوار غزه و آزادی اسرای صهیونیست (بدون انعقاد آتش بس و دادن امتیاز به مقاومت) را سه هدف اصلی خود قلمداد کرده بود اما اکنون چاره‌ای جز اذعان به شکست در دستیابی به این اهداف ندارد. فرسایشی شدن جنگ غزه نه تنها تبدیل به کاتالیزور و عاملی تسریع‌کننده در مسیر تسلط میدانی و فرامتنی تل آویو بر معادلات جنگ نشد، بلکه به فرسودگی ارتش و بازتعریف تاکتیک‌های نبرد توسط رزمندگان مقاومت در مواجهه با صهیونیست‌ها در مناطق گوناگون غزه و رفح منجر شد.

صهیونیست‌ها در نقطه پایان

نکته دوم، معطوف به آینده سیاسی، داخلی اراضی اشغالی پس از انعقاد پیمان آتش بس است. قدر متیقن ماجرا این است که افرادی مانند بن‌گوریر (وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی) و اسموتریچ (وزیر دارایی رژیم صهیونیستی)، نسبت به انعقاد پیمان آتش بس شدیدترین مواضع ممکن را داشته و از استعفا‌ی خود در آینده‌ای نزدیک خبر داده‌اند. خروجی و محصول این استعفا، سقوط کابینه ائتلافی نتانیا‌هو و برگزاری انتخابات زودهنگام خواهد بود؛ انتخاباتی که در آن ائتلاف کنونی در اراضی اشغالی شانس‌ی برای بقا نخواهد داشت.

با این حال، اصلی‌ترین منازعه‌ای را که از این پس در اراضی اشغالی شکل خواهد گرفت باید در سطوح زیربنایی قدرت جست‌وجو کرد. واقعیت امر این است که مثلث ارتش، موساد و کابینه در اراضی اشغالی از زمان اشغال فلسطین تاکنون در همپوشانی مطلق با یکدیگر عمل کرده‌اند. اما در جریان جنگ اخیر غزه، شاهد واگرایی هر چه بیشتر این به کن قدرت در تل آویو بوده‌ایم. آنچه منجر به تمرکززدایی افکار عمومی (در اراضی اشغالی، منطقه و جهان) در خصوص منازعات موساد، ارتش و کابینه در تل آویو شد، استمرار جنگ و شرایط ناشی از آن بود. اکنون با انعقاد پیمان آتش بس، منازعات داخی در اراضی اشغالی به نقطه اوج خود خواهد رسید. این منازعه حول موضوعاتی از جمله «ابعاد اهمال اطلاعاتی و نظامی در شکل‌گیری عملیات طوفان الاقصی»، «ابعاد شکست میدانی در نوار غزه و لبنان» و «نشست اطلاعات محرمانه در جریان جنگ غزه» صورت می‌گیرد.

منازعات اروپای واحد و دولت جدید آمریکا روزه‌به‌روز جدی تر می‌شود. حضور

ترامپ در رأس معادلات سیاسی و اجرایی واشنگتن به معنای آغاز مناقشه‌ای تمام عیار در دوسوی آتلانتیک تلقی می‌شود. منازعه‌ای که ابعاد آن حتی برای مقامات ارشد اروپایی همچنان مبهم است! در این میان، دولت‌های مجارستان و ایتالیا در کسوت پیاده نظام سیاسی واشنگتن در مواجهه با بروکسل ایفای نقش می‌کنند. در تحلیل چنین مناقشه تمام‌عیاری، نمی‌توان نقش خاص نخست وزیر ایتالیا را نادیده انگاشت. جورجا ملونی به دنبال تقویت روابط با ترامپ است؛ سؤال اینجاست که نخست‌وزیر ایتالیا در این مسیر در نقش راه بلد ترامپ ظاهر می‌شود یا همچون اسب تروای او در اروپا عمل می‌کند.



حسین باری | بخش بین‌الملل

سرانجام رژیم اشغالگر قدس موافقت خود را با آتش بس در جنگ غزه اعلام کرد. محافل داخلی در اراضی اشغالی از جمله بن گوریر، وزیر امنیت داخلی این رژیم، آتش بس غزه را مصداق عینی شکست در جنگ با مقاومت فلسطین قلمداد می‌کنند. طبق محاسبات و ادعا‌های صورت گرفته از سوی نتانیا‌هو، قرار بود حماس به صورت کامل از بین برود و اسرای صهیونیست نیز در سایه عملیات نظامی (و نه توافق آتش بس) آزاد شوند! اما اکنون حماس تبدیل به طرف امضاکننده قرارداد آتش بس شده است.



محمد علیزاده | گروه بین‌الملل

نگاه افکار عمومی اراضی اشغالی به آتش بس

نظرسنجی‌هایی که طی دو روز اخیر در اراضی اشغالی منتشر شده، گویای همه چیز است! ۶۱ درصد از اسرائیلی‌ها وعده نتانیا‌هو مبنی بر این‌که حماس مدیریت غزه را به دست نخواهد گرفت و این‌که حماس در غزه نابود شده را باور ندارند. نظرسنجی کانال ۱۲ اسرائیل همچنین نشان داد که ۶۱/۵ درصد از اسرائیلی‌ها از توافق آتش بس در غزه حمایت می‌کنند، در حالی‌که ۲۳/۹ درصد با آن مخالفند. این نظرسنجی همچنین نشان داد که ۵۹/۸ درصد معتقدند که باید مرحله دوم توافق، یعنی توقف جنگ اسرائیل علیه غزه، اجرا شود. به عبارت بهتر، اکثر ساکنان اراضی اشغالی بر این باور هستند که سخن گفتن از اهدافی که نتانیا‌هو در ابتدای جنگ غزه از آنها سخن گفته بود، دیگر محلی از اعراب نداشته و نخواهد داشت.

آشفته‌گی در آشیانه صهیونیست‌ها

نکته دیگری که در اینجا باید مدنظر قرار گیرد، معطوف به بحران سیاسی در کابینه نتانیا‌هو است. اختلاف نظرهایی در داخل دولت ائتلافی نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیا‌هو، در مورد این توافق وجود دارد. حزب صهیونیسم مذهبی به رهبری برآل اسموتریچ برای باقی ماندن در دولت، شرط گذاشته که نتانیا‌هو به آنها تعهد دهد که پس از پایان مرحله اول توافق تبادل اسرا و آتش بس در غزه، جنگ از سر گرفته خواهد شد. این حزب در بیانیه‌ای کتبی اعلام کرد: «به غیر از اشتیاق برای

گزارش

سعید سبحانی | گروه بین‌الملل

صدای پای کودتا بیخ گوش نتانیا‌هو

پس از امضای رسمی پیمان آتش بس توسط رژیم اشغالگر قدس که از آن به عنوان نماد شکست مطلق تل آویو در جنگ با حماس و مقاومت یاد می‌شود، معادلات داخلی در تل آویو دستخوش تغییرات سخت و عمده‌ای شده است. این تغییرات سخت به سمت وسویی پیش می‌رود که در مجموع، قدرت تنفس حداقلی صهیونیست‌ها در فضای داخلی اراضی اشغالی را محدودتر خواهد ساخت.

آینده‌نگاری تل آویو در دوران پسا‌آتش

صورت‌بندی این منازعات نشان می‌دهد که جنس آنها روبنایی و محدود نبوده و باید آن را ناظر بر بنیان‌ها و ثوابت قدرت در اراضی اشغالی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی آنچه در اراضی اشغالی می‌گذرا، با منازعاتی پایدار مواجه خواهیم بود که کلیت و موجودیت رژیم اشغالگر قدس را هدف قرار خواهد داد. در مقابل، حماس قطعاً از قدرت به دست‌آمده در راستای بازتعریف قدرت ساختاری، نظامی و رهبری خود استفاده می‌کند. یکی از اصلی‌ترین دلایل اصرار بن‌گوریر و اسموتریچ جهت انعقاد پیمان آتش بس با حماس (حتی آتش بس موقت و محدود)، همین مسأله بود. اما درنهایت، نتانیا‌هو تن به آتش بسی داده که ترجمانی از به رسمیت شناختن حماس به عنوان بازیگری تعیین‌کننده (و نه نابود شده!) در معادلات فلسطین و منطقه است.

در کنار این موارد، باید ابعاد فرامتنی ماجرا ازجمله خیزش جهانی علیه صهیونیسم و تصاعد نفرت عمومی از رژیم اشغالگر قدس به دنبال ۱۵ ماه جنایت مستمر و نسل‌کشی در نوار غزه را نیز در تحلیل بحران‌های فرمانطقه‌ای تل آویو در نظر گرفت. انعقاد آتش بس غزه، مترادف با آغاز منازعات پایدار داخلی و تشدید بحران‌های فرمانطقه‌ای علیه رژیم اشغالگر قدس خواهد بود.

بحران‌های سخت در اراضی اشغالی

گالانت، وزیر جنگ سابق رژیم اشغالگر قدس قبل از استعفا‌ی خود تأکید کرده بود که تل آویو ناچار است در راستای مبادله اسرا، تصمیم‌های درناک و سخت (پذیرش آتش بس) را سریعاً اتخاذ کند، اما این موضع‌گیری گالانت، به اخراج وی از کابینه نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس منجر شد. اکنون تل آویو به همان نقطه رسیده و چاره‌ای جز پذیرش شکست رسمی در رسیدن به اهداف خود در جنگ غزه ندارد. بازتعریف قدرت مقاومت اسلامی فلسطین و منطقه نیز درست در تقارن زمانی با تشدید بحران‌های سخت در اراضی اشغالی صورت خواهد گرفت. اما در این معادله، نتانیا‌هو نه‌تنها از مخالفان سیاسی خود، بلکه از هم‌حزبی‌هایش نیز نگران است! احتمال کودتا علیه نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس از سوی هم‌حزبی‌هایش منتفی نیست. این کودتا می‌تواند قبل از آن‌که در قالب انحلال کابینه خود را نشان دهد، در یک تصمیم درون حزبی فوری و ناگهانی تبلور پیدا کند. این روزها بسیاری از همراهان نتانیا‌هو در حزب لیکود، تبدیل به مخالفان پنهان وی شده‌اند! آنها معتقدند شکست و تباهی نتانیا‌هو پس از عملیات طوفان الاقصی گزارش‌های مطلق و قطعی محسوب می‌شود و در چنین شرایطی اتصال به نتانیا‌هو، مترادف با اتصال به یک سیاستمدار شکست خورده و مرده است. از این رو امکان کودتای درون حزبی (در حزب لیکود) نیز همزمان با بحران‌های داخلی در اراضی اشغالی وجود دارد.

زمینه‌های کودتا علیه جلا‌د طی ماه‌های گذشته و پس از شکل‌گیری اعتراضات گسترده در اراضی اشغالی علیه اصلاحات پیشنهادی نتانیا‌هو، مخالفت‌هایی نیز در حزب لیکود علیه وی شکل گرفته بود. اکنون قطعاً با شکست مطلق رژیم اشغالگر قدس از حماس در عملیات طوفان الاقصی، این روند تسریع و تشدید شده است. نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس در روزهای نخستین نبرد غزه، یک سخنرانی تلویزیونی خطاب به ساکنان اراضی اشغالی اعلام کرده بود: «۱۷ اکتبر روز سیاهی در تاریخ ما بود. ما به آنچه در مرز

جنوبی و منطقه رفخ رخ داده است خواهیم رسید. خرابی به‌طور کامل بررسی خواهد شد همه باید پاسخ دهند

–ازجمله من.»



من کامل